

عالم درگیر و دار نبوده و یقیناً در شمال و مشرق کار هائی انجام داده که از خاطر ها فراموش شده در باب وجه تسمیه اشکانیان بعضی را عقیده آنتکه محل اقامت خانواده اشکانی در (آساک) بوده و این اسم از اسم محل مزبور آمده (آساک را با قوچان حالیه تطبیق میکنند) برخی میگویند که اشکانیان خود را ارشک نامیده اند تا نسب این سلسله را به اردشیر دوم هخامنشی که نیز نامش ارشک بوده رسانند این مسئله هم مثل بسیاری از مسائل دیگر است که در آتیه باید حل گردد

## ارشک ۱ - ارشک اول

آپارنی همدست شده در ۲۵۶ ق. م بصری مخالفت با سلوکیدها برافراشت و جنگهای متعدد با آنها نمود و در نتیجه غلبه یافته دولت پارت را تأسیس کرد (۲۵۰ ق. م) پس از این فتح روی به باختر آورد و با دوات باختر که نیز مستقل شده بود جنگ کرد و در حین جنگ کشته شد چون اشک بانی سلطنت اشکانیان بود شاهان دیگر اشکانی او را تقدیس میکردند (چنانکه باولقب ایپی فانیس<sup>(۱)</sup> داده اند) و بیادگار اینکه اوسر سلسله اشکانی است با اسم خود کله ارشک<sup>(۲)</sup> را میافزودند مورخین هم این نکته را رعایت کرده اند

## ارشک ۲ - تیرداد اول

نشست و از اشتغال سلوکیدها در مغرب استفاده کرده مملکت گرگان (ورکانا) را ضمیمه پارت کرد و بعد پادشاه دور<sup>(۳)</sup> پادشاه باختر متحد شده سلوکوس دوم را

(۱) - ایپی فانیس بزبان یونانی یعنی نامی و پرافتخار (Epiphanes)

(۲) - ارشک را یونانیها (آزراگس) نوشته اند که یونانی شده ارشک است

شکست داده خود را شاه بزرگ خواند پارت ها جلوس او را مبدأ تاریخ قرار داده اند ( ۲۴۷ ق. م ) اشکانیان برای اینکه نسب خود را به هخامنشیها برسانند میگفتند که فری باپیت (۱) پدر اشک اول و تیرداد اول پسر اردشیر دوم بوده تیرداد بعد از جنگهای مذکور به نحکیم مبنای دولت خود پرداخت پای تخت اشکانیانرا یونانیها **هکاتم پیلوس** (۲) یعنی شهر صد دروازه نامیده اند در باب تطبیق آن با محلی مابین محققین اختلاف است عقیده که بیشتر طرف دار دارد این است که در طرف جنوب غربی دامغان واقع بوده و معروف است که سلوکیدها آنرا بنا کرده اند بعدها ری و تیسفون نیز پای تخت بودند (۳) تیرداد چنانکه نوشته اند قصری موسوم به دارا در نزدیکی محلی که امروزه موسوم به آیدورد است ساخته بود ولی غالباً در پایتخت میزیسته فوت او در ۲۱۴ ق. م بود

## اشک ۳ - اردوان اول - بعد از پدر بتخت

نشست ( ۲۱۴ ق. م ) و از گرفتاری آنطیوخوس سوم برادر سلکوس سوم که ملقب به **کبیر** بود استفاده کرده ولایت مردها و ری و همدان را گرفت ولیکن بعد که پادشاه مزبور با قشون زیادی بایران آمد اردوان عقب نشینی کرده پای تخت خود را هم به سلوکیدها داد بعد آنطیوخوس به کرگان رفت ولی از عهده - سواره نظام پارت بر نیامد بالاخره عهدنامه مابین دولتین منعقد و اردوان رسماً پادشاه ایران شناخته شد قابل ذکر است که در این جنگ آنطیوخوس معبد معروف اناهیتارا در همدان غارت کرده ذخائر و نفایس زیادی از آنجا برد بطوریکه مینویسند چهار هزار تالان ( تقریباً ده کرور تومان ) قیمت ذخایر مذکوره بوده

(۱) - *Phriapites*. (۲) - *Hecatompilos*.

(۳) - مردها در نیورستان سکنی داشتند

(۴) - نظر بفصول چهار گانه مقر سلطنتی بنوت در چهار شهر بود ، در

شهر صد دروازه - ری - همدان - تیسفون

( ۲۰۹ ق . م ) انطیوخوس پس از صلح با اردوان به باختر پرداخت و بعد از راه کابل و دره خیبر به هند رفته از راه سیستان و کرمان مراجعت کرد ولی در جنگ با باختر هم نتیجه نگرفت و مخاصمه به صلح انجامید اشک ۴ - فری یاپیت - پس از اردوان به نخت نشسته به آسودکی سلطنت کرد زیرا باخترها متوجه هند بوده با پارتیها کاری نداشتند این شاه در ۱۸۱ ق . م فوت کرد

اشک ۵ - فرهاد اول - بعد از پدر به نخت نشست و نیورستان را تسخیر کرده قسمی از اهالی آنجا را که موسوم به مرد ها بودند مجبور نمود تنگه هائی را که مشهور به دربند بحر خزر است و راهی را که از خراسان به مدی میرفت حفظ کنند (۱) این شاه شهر خارا کس یا شارا کس را در ری بنا کرد (۲)

## اشک ۶ - مهرداد اول - بعد از برادر او

نخت نشسته بانی عظمت دولت پارت گردید در این اوان دولت سلوکی در بواسطه جنگ با رومیها و یهودیها ضعیف شده بود مهرداد سرو را در ابتداء از باخترها گرفت بعد آنرا با بجان را از امراء محلی که در آنجا استقلال یافته بودند انتزاع کرد پس از آن به خوزستان و پارس و بابل پرداخت و بعد بهند رفته قطعه را تا رود جلم ضمیمه مملکت خود کرد از زمان او دولت پارت رو به عظمت نهاد این شاه با دمتریوس سلوکی جنگ کرد ولی در ابتداء بهره مندی نداشت زیرا یونانیها با دمتریوس همراهی کردند و از

(۱) - دربند بحر خزر یا چنانکه اروپائیها میگویند دروازه بحر خزر تشک است و بعضی آنرا با ابوان کیف یا ابوان کی تطبیق نموده اند

(۲) - خارا کس را بعضی بادربند بحر خزر و برخی با شهرستانک تطبیق میکنند عقیده آخری مبنی بر این است که ایزیدور خارا کس ( یکی از جغرافیون قدیم ) نوشته ، وطن او خارا کس در وسط کوه های البرز واقع است ( کنت گوبینو )

طرف دیگر باخترا هم بر ضد پارتها قیام نمود ولیکن مهر داد داخل مذاکره صلح شده دمتریوس را اغفال کرد و بعد جنگ کرده فاتح شد و او را گرفته در زندان انداخت این شاه به تقلید شاهان هخامنشی لقب شاهنشاهی اختیار کرد مورخین او را داریوش سلسله اسکانیان می دانند زیرا علاوه بر فتوحات تشکیلاتی نموده سلطنت مهر داد از ۱۷۰ تا ۱۳۸ ق. م بود

## اشک ۷ - فرهاد دوم - بعد از پدربتخت نشست

و با آنطیوخوس سی ده سلوکیدی جنگ کرد تفصیل این جنگ این است که برادر دمتریوس در غیاب او مملکت شام را تصرف کرد و پارت اکتفا نکرده خواست ایران را تسخیر کند درابتداء موفقیت با او بود مردمان ایران بر فرهاد دوم شوریدند و عرصه بر او تنگ شد زیرا فقط مملکت پارت برای او باقی مانده بود فرهاد خواست صلح نماید شرایط صلحی که پادشاه سلوکیدی به او تکلیف میکرد خیلی سنگین بود بدین معنی که فرهاد بایستی به مملکت پارت اکتفا کند و باج بدهد شاه تدبیری که اندیشید این بود که برای ایجاد جنگ خانگی درشامات دمتریوس را از زندان رها کرد تا سلطنت شامات را از برادرش استرداد کند ولیکن کار فرهاد از جای دیگر درست شد بدین معنی که آنطیوخوس درعیش و عشرت فرو رفته و قشون او هم از او پیروی کرده مردم را غارت می کردند این تعدی و ظلم مردم را بطرف فرهاد کشانید چون آنطیوخوس خبر شورش ایرانیها را شنید باقشون جزاری با آنطرف شتافت فرهاد به او فرصت نداده بطور ناگهانی بر او تاخت و جنگی شد که پادشاه شام در آن حین کشته شد از این به بعد سلوکیدها دیگر جرئت نکردند متعرض ایران شوند و از این زمان انحطاط کامل در دودمان

سلوک‌بدها شروع شد بعضی را عقیده آنست که در این زمان هر واقع سلسله سلوک‌بدها منقرض گردید پس از این فتح گرفتاری دیگری برای فرهاد پیش آمد توضیح آنکه موقعی که فرهاد با پادشاه شامات در جنگ بود سکه‌ها را بکمک طلبیده و وعده کرده بود با آنها مبلغ زیادی بدهد ولیکن چون بدون معاونت آنها بر سلوک‌بدها فائق آمد این پول را نداد و آنها بنای قتل و غارت را در ولایات گذاشتند و در جنگی که فرهاد با آنها کرد کشته شد (۱۲۵ ق. م) تقریباً مقارن این زمان مردمان آریایی که موسوم به ساکها یا سکه‌ها بودند به ایران هجوم آورده در افغانستان امروزه برقرار شدند و سیستان را نیز تصرف کردند در اثر این واقعه این مملکت که تا آن زمان (در نجیبانا) یا موافق آوستا (زرنکا) نام داشت از این به بعد موسوم به سیکستان گردید و این کلمه بعدها به سیستان مبدل شد (نیمه قرن دوم ق. م) رای فهم این واقعه لازم است گفته شود که در این زمان تاریخ ایران با تاریخ چین ارتباط مییابد توضیح آنکه در چین بعد از تقراض سلسله امپراطورهای (شو) چندی امپراطوری چین ملوک الطوائفی بود تا آنکه شخصی (تسین) نام حکومت را بدست گرفته يك دولت قوی تأسیس نمود و برای جلوگیری از ناخوش و تاز مردمان وحشی صحرا کرد دیوار چین را ساخت بعد از آن مردمان تورانی نژاد (۱) که موسوم به (هون‌ها) بودند چون دیگر نتوانستند بطرف چین رفته ناخوش و تاز نمایند متوجه صفحات غربی شده حمله بمردمان تورانی نژاد دیگری موسوم به (بوئه چی) برده آنها را شکست دادند (۲۰۰ ق. م) مردمان مزبور هم بنوبت خود بمردمانیکه موسوم به (سکا) یا سکه بودند فشار آوردند این بود که سکهها به پارت و باختر ریختند (۲)

- (۱) - تورانی نژاد یعنی از نژاد اصغر  
(۲) - سکاها همان مردمی بودند که داریوش اول در کتیبه نقش رستم خود مملکت آنها را جزو ممالک تابعه ایران اسم برده

## اشك ۸ - اردوان دوم - که عموی

فرهاد بود بنخت نشست و با مردمان یوئه چی جنگ کرده زخم برداشت در اثر آن فوت کرد این مردم را هونها بطرف ایران رانده بودند و در اثر فشار آنها دولت باختر بهند منتقل گردیده بعد از شصت سال متعرض شد و مملکت باختر بدست یوئه چی ها افتاد مدت سلطنت اردوان پانزدهم دو سال بود و بعد از او پسرش مهرداد بنخت نشست

## اشك ۹ - مهرداد دوم (کبیر)

پنجاه و یک از شاهان بزرگ اشکانی است در زمان او ایران بر اشک ها (سکاها) و مردمان صحرا گرد وحشی که از طرف شمال فشار بممالک ایران وارد میآوردند فائق آمد و مهرداد چنان شکستی بانها داد که دیگر متعرض ایران نشدند این واقعه از حیث حفظ تمدن ایرانی بسیار مهم است و نیز از زمان این شاه ایران در مرحله جدیدی داخل شد توضیح آنکه دولت عالم گیر روم تمام عالم غرب را تسخیر کرده به سرحدات ایران نزدیک گردید و اوضاع جدیدی در آسیای غربی پیش آمد خلاصه این اوضاع در چند کلمه این است : از یکطرف دولت روم تسخیر ایران و هند را برای تکمیل عالم مداری خود لازم میدانند و از طرف دیگر ایران که بطرف غرب بسط و توسعه مییابد لابد با این حریف قوی و زیر دست که عالم را عاجز کرده مواجه میشود در نتیجه این پیش آمدهای تاریخی این دولت یعنی ایرانی و رومی در مدت چند قرن با هم دست بگریبان شده در سر تقسیم عالم در مبارزه و جنگ میشوند رومیها میخواهند در روی زمین دولتی غیر از دولت روم نباشد و امپراطوری عظیم خود را صلح رومی مینامند دولت اشکانی و بعد از آن ساسانیان عالم مداری هخامنشی ها

را بنحاطر آورده خودشان را وارث آنها میدانند راجع به ساسانیان صحبت در پیش است ولی در باره دولت اشکانی که موضوع این باب است باید گفت که گذشته های این دولت این حق را بآنها میدهد زیرا اخراج سلوکیدها از ایران در زمانی که آنها قوی بودند و انتزاع کلیه ممالکی که مابین فرات و هند است از آنها بعد از شکست های فاحشی که اشکانیان پادشاهان سلوکیدی دادند و بالاخره درم شکستن مردمان صحرا کرد قوی مثل سگ ها و غیره گذشته های درخشانی است که آنان را به آینده با افتخاری نوید میدهد این کشمکش اشکانیان با رومیها با فاصله هائی سه قرن امتداد مییابد سوار نظام پارتی با سلون که مخصوص اوست مکرر لژیون های رومی را تارومار میکند بطوریکه بهترین قیصره و امپراطورهای روم از تسخیر ایران مأیوس میشوند و دولت پارت حتی در چینیکه در حال انقراض است نسبت به رومیهای قوی فاتح است بالاخره این دولت بواسطه جهات داخلی منقرض گردیده ایران بانی باز به پارتیها رجعت میکند بدون اینکه نزاع ایران و روم در سر تقسیم عالم خاتمه یافته باشد در اینجا مجبوریم که ذکر وقایع سلطنت مهرداد و شاهان دیگر اشکانی را موقتاً ترک کرده برای فهم مطالب نظری به ارمنستان که یکی از میدانهای مبارزه است و آسیای صغیر و دولت روم بیفکنیم

## ارمنستان - وقتیکه صحبت از تاریخ عیلام بود دیدیم که در ارمنستان

دولتی تشکیل شده بود باسم دولت آرارات و آسوری ها با این دولت در جنگ بودند ولی غلبه کامل بر آنها نمی یافتند چنانکه پایتخت آنها که موسوم به وان بود نتوانستند تسخیر کنند بعد نیز دیدیم که در زمان کوروش بزرگ این دولت جزو ممالک وسیعه ایران گردید و داریوش بزرگ در کتیبه نقش رستم خود این مملکت را

آرمینا نامیده و یکی از ممالک تابعهٔ ایران دانسته راجع باینکه در چه زمانی دولت ارارات مبدل به دولت ارمنستان یا ارامنه شده محققین را عقیده آنستکه در قرن هفتم ق. م مردمانی که هند و اروپائی بودند از طرف غرب باین مملکت آمده و تأسیس سلطنتی کرده اند هرودوت میگوید ارامنه در ابتدا در (فری ژبه) که یکی از ممالک آسیای صغیر است سکنی داشتند و بعد از آن مهاجرت کرده به ارمنستان رفته اند در دورهٔ هخامنشی ها چنانکه دیدیم چند دفعه ارمنستان یابی شد و بعد باز جزو ایران گردید در زمان اسکندر جزو ممالک او درآمد و بعد از او یکی از ممالک تابعهٔ دولت سلوکید ها گردید حال بدین منوال بود تا آنکه مهرداد اول که دولت پارت را توسعه میداد بآرمنستان رسید با کمک او در زمان آنطیوخوس ایپی فانس ارامنه خود را از قید سلوکید ها آزاد نمودند و در اینجا دولتی تشکیل شد که سلطنت آن با یکی از شاخه های سلسله اشکانیان گردید چنانکه وال ارشک (۱) از ۱۵۰ تا ۱۲۸ ق. م در اینجا سلطنت کرد و بعد از او پادشاهان دیگری بودند که لقب شاهی داشتند و دست نشاندۀ شاهنشاهان ایران محسوب میشدند در زمان مهرداد دوم پادشاه ارمنستان آرتاکسیاس (۲) نخواست تمکین از ایران نماید و مهرداد بعد از شکست فاحشی که به سکت ها داد متوجه ارمنستان شد و فایح گردید و برای تأمین دست نشاندگی ارمنستان پسر بزرگ تیگران پادشاه ارمنستان چند سال در دربار ایران بطور گزوی اقامت نمود بعد ها در زمان تیگران حدود ارمنستان توسعه یافت بطوریکه این مملکت از خلیج (ایتوس) یعنی از دریای مغرب تا دریای خزر ممتد بود ولی شاهان اشکانی اهمیت زیادی بدست

(۱) — Val-Arsacès

(۲) — Artaxias



نشاندگی این مملکت نسبت به ایران میدادند چنانکه در سر آن جنگها  
با رومیها نمودند

## آسیای صغیر - این مملکت چنانکه دیدیم در زمان

کوروش بزرگ تابع ایران شد داریوش اول قسمت غربی آن را  
اسپردا و قسمت شرقی را کپا توکه مینامد در زمان اسکندر  
آسیای صغیر تابع مقدونی شد و بعد از او گاهو تابع دولت سلوکیدها  
و گاهی جزو مقدونی بود تا آنکه هر دو دولت ضعیف شده جزو دولت  
روم گردیدند و در آسیای صغیر دولتهای متعدد کوچکی تشکیل شد مثل پنت  
کیلکیه - پرگام (۱) - پافلاگونی (۲) - کاپادوکیه (۳) و غیره ولی هیچکدام  
مثل دولت اولی دارای اهمیت نشدند چه پادشاه آن میثری دات (مهرداد)  
ششم این مملکت را وسیع و قوی نمود و خود بزرگترین دشمن روم در  
آسیا گردید

## دولت پنت - این دولت تشکیل یافته بود از مملکت

کوچکی که در ساحل جنوبی دریای سیاه واقع و از طرابوزان تا باطوم  
امروزه ممتد بود در این زمان سلطنت این مملکت به مهرداد ششم  
رسید و او در مدت سی سال (از ۱۲۰ تا ۹۰ ق. م) این  
مملکت را وسیع و مقتدر نمود مهرداد نسب خود را از طرف پدر به  
اشکانیان و هخامنشیها و از طرف مادر به سلسله سلوکیدها میرسانید  
این پادشاه در طفولیت بواصطه کشته شدن پدرش یتیم گردیده در سختیها  
و مشکلات و مشقات زندگانی بزرگ شد و دارای قوت جسمانی حیرت -

(۱) - Pergam

(۲) - Paphlagonie

(۳) - Cappadoce

انگیزی گردید قوای عقلی و اراده او از قوای جسمانی او عقب نماند چنانکه بلندی همت و عزم و هوش و استعداد و فعالیت او باعث حیرت مورخین است برای اینکه از ذکر صفات او چیزی فروگذار نشده باشد لازم است علاوه شود که در دو روئی و قسوت قلب و سفاکی هم بی نظیر بود مهرباد مملکت خود را از طرف شرق وسعت داده قسمت غربی گرجستان امروزه را موسوم به مین گری (۱) و ایمرنی (۲) ضمیمه نمود از طرف غرب چون بوسیپور (شهر یونانی) در مقابل تاخت و تاز مردمان وحشی شمالی ناتوان بود آن را هم در تحت عنوان دولت تحت الحمايه بمملکت خود الحاق کرد بعد با تیکران پادشاه ارمنستان جنگ کرده ارمنستان کوچک را جزو مملکت خود نمود و در اثر این فتح پادشاه ارمنستان برای تأمین صلح محکمی دختر خود (کل اپاتر) (۳) را مهرباد داد و عهد نامه اتحادی فیما بین منعقد شد مبنی بر اینکه دولتین همدیگر را کمک کنند بدین ترتیب دولت پُنت که در این زمان متحد روم بود با دولت ارمنستان نیز متحد گردید و این آخری چنانکه دیدیم دست نشانده اشکانیان بود از طرف دیگر دولت روم از بزرگ و قوی شدن پُنت باطناً خوشنود نبود زیرا این مملکت در سر راه رومیها در نهضت آنان بطرف مشرق واقع شده و در پیش پای آنها خاری بود بنا براین در اثر تشویشی که از قوی شدن پُنت حاصل شد سنای روم لوسیوس سولا (۴) را مأمور کرد که در امور کاپادوکیه دخالت کند و او سر تا سر این مملکت را اشغال کرد بدون اینکه از طرف پُنت اعتراضی بشود رومیها در نتیجه این عملیات در دفعه اولی به رود فرات رسیدند

(۱) - *Mingrelie*

(۲) - *Imértie*

(۳) - *Cléopâtre*

(۴) - *Lucius Sulla*

ولی حکومت آنها در اینجادوامی نداشت زیرا همینکه سردار رومی رفت تیگران پادشاه ارمنستان و پافلاگونیاها مأمورین روم را از نواحی فرات بیرون کردند این بود که سنای روم در سنه ۹۰ ق. م باز سولاً را بعنوان سفارت بطرف شرق فرستاد و ایندفعه باز مهرداد پنت ضدیتی نکرد

## نخستین ارتباط ایران با روم -

در ۹۲ ق. م وقتی که مهرداد دوم اشکان شنید که سولاً سفارت از طرف روم به آسیای صغیر آمده چون از طرز رفتار ارمنستان نسبت بخود ناراضی بود سفیری که اسمش (اُرباز)<sup>(۱)</sup> بود نزد سولاً فرستاد تا بادولت روم اتحاد تعرضی و تدافعی منعقد نماید توضیح آنکه دولت ارمنستان بعضی از محلها را که سابقاً به ایران واگذار کرده بود اشغال نموده بود و باینهم اکتفا نکرده بحدود ایران دست اندازی میکرد و شاه ایران رفتار دولت ارمنستان را که به کمک ایران از قید سلوکیدها آزاد شده بود برخلاف حق شناسی میدانست مابین سفیر ایران و سولاً مذاکرات دوستانه بعمل آمد ولیکن نتیجه نداد چه سفیر روم دستوری در باب عقد اتحاد نداشت با اسلاً نمیخواست چنین عهدنامه منعقد گردد قابل ذکر است که سولاً در مجالس ملاقات جای محترم را اشغال میکرد بدین معنی که مابین پادشاه کاپادوکیه و سفیر ایران می نشست و این رفتار او باعث شد که مهرداد مکدر گردید و وقتیکه سفیرش بایران مراجعت کرد از او سلب حیات نمود که چرا حیثیت خود را حفظ نکرده

راجع بمهرداد اشکانی باید در نظر داشت که نه فقط این شاه سکه ها را شکست داد بلکه حدود ایران را تا کوههای (هیالایا) در شمال هندوستان رسانید زیرا این مطلب از سکه هائیکه بدست آمده معلوم شده و این سکه ها متعلق

(۱) - Orobasus

شاهزادگان اشکانی است که در اینجا حکمرانی کرده اند

## اشک ۱۰ ساناتروک - بعد از مهرداد مدنی

بفترت گذشت تا آنکه در ۷۷ ق. م ساناتروک برادر فرهاد دوم به تخت نشست (۱) بعضی او را پسر (ارشک دیکائیس) (۲) نوشته اند این شاه پیر و ناتوان و ارمنستان در این زمان بواسطه اتحاد با دولت پنت قوی بود لذا تیگران آذربایجان را متصرف شده جلگه فرات را غارت کرد و به باقیاننده مستملکات سلوکیدها دست انداخت و خود را شاهنشاه خواند کلیه باید در نظر داشت که تاریخ ایران از ۸۸ تا ۶۶ ق. م روشن نیست و آنچه هم بدست آمده دلالت برستی آن در این زمان دارد چنانکه دولت ایران در جنگ دوم دولت روم با پنت و ارمنستان بیطرف است و فعالیتی نشان نمیدهد مدت سلطنت ساناتروک را گوت شیمید هفتسال مینویسد یونانیها اسم این شاه را ساناترو کس نوشته اند

## اشک ۱۱ - فرهاد سوم - بعد از پدر به تخت

نشست (۶۹ ق. م) در زمان این شاه باز ایران با دولت روم ارتباط یافت و برای فهم وقایع مجبوریم بعملیات روم در پنت و ارمنستان متوجه شویم پادشاه پنت مهرداد ششم که با رومیها مدارا میکرد بالاخره دید که رومیها برای جهانگیری خود حدی قرار نداده اند و قریباً با خود او در جنگ خواهند شد چون بواسطه اتحاد با ارمنستان خود

(۱) - بعقیده گوت شیمید عالم آلمانی که در تاریخ اشکانیان تبعاتی کرده بعد از مهرداد دوم کیر اردوان نامی به تخت نشسته و جلوس او تقریباً مقارن سنه ۸۶ ق. م بوده مصنف مذکور او را اردوان دوم دانسته

[ Alfred Von Gutschmid, Geschichte Irans Und Seiner Nachbarländer ]

(۲) - Dikaios

را قوی میدید تصمیم بر جنگ با رومیها نمود این مبارزه دولت کوچک پنت با دولت قوی و عظیم روم تقریباً بیست و سه سال طول کشید از (۸۹ الی ۶۶ ق. م) اگر چه در این مدت چند دفعه طرفین صلح کردند و لیکن این صلحها دوامی نداشت و باز جنگ در میگرفت اگر بخواهیم تفصیل و کیفیات این جنگها را بیان کنیم از موضوع که تاریخ ایران است دور خواهیم افتاد همینقدر لازم است گفته شود که در ابتداء فتح و ظفر با مهرداد بود او نه فقط پرکام را گرفت و هشتاد هزار نفر ایتالیائی را در آسیای صغیر گشت بلکه به یونان دست انداخته یونانیها را با خود همراه کرد و نیز بحریه او در بحر الجزایر و سواحل یونان پیشرفت هائی حاصل کرد و لیکن وقتی که جنگ بطول انجامید برزی روم معلوم گردید اگر چه رومیها بزودی و آسانی موفق نشدند که حریف پر زور خود را از میان بردارند توضیح آنکه اول سولاً و بعد لوکولوس (۱) دو سردار نامی روم مأمور تسخیر پنت شدند و هر چند پیشرفت هائی داشتند ولیکن نتوانستند او را از پای در آورند زیرا مهرداد نمیتوانست جنگ میکرد و وقتی که وسائل جنگ را فاقد میشد به ممالک همجوار مثل ارمنستان و قفقازیه غریبی و غیره فرار میکرد و با سرعت حیرت انگیزی باز اسباب زحمت رومیها را فراهم مینمود بعد از دو سردار مزبور دولت روم پومپه را (۲) که یکی از بزرگترین سرداران دولت روم در این زمان بود برای جنگ با پنت و قلع مهرداد مأمور کرد ولی مهرداد صلاح خود را در جنگ با او ندیده عقب نشینی کرد و با يك سرعتی این عقب نشینی را انجام داد که قشون روم نتوانست با او برسد از طرف دیگر مهرداد فرصتی بدست

(۱) - Lucullus

(۲) - Pompée

آورده خطوط ارتباطیه رومیها را با تکیه گاه آنها برید و پومپه مجبور شد مدتی به جنگ تدافعی اکتفا نماید تا قوای جدیدی باو برسد پس از آنکه قوای مزبوره رسید حمله باردوی مهرداد برده آن را محصور کرد و مهرداد در مدت یکماه جنگید و بالاخره بواسطه نداشتن آذوقه فرار کرد چون تیگران نخواست این دفعه او را پناه دهد مجبور شد به قفقازیه غربی فرار کند پومپه او را تا رود فازیس (ری یون امروزه) تعقیب کرد ولیکن نتوانست او را دستگیر کند و غضب خود را متوجه تیگران نمود بدینمعنی که شهر آرتاکساتا (ایروان امروزه) را که پایتخت ارمنستان بود گرفت و این دولت را مجبور کرد که خسارتی بمبلغ شش هزار تالان (هفت ملیون و دوست هزار تومان بیول حالیه) بپردازد تمام ولایات خارج ارمنستان که نتیجه فتوحات تیگران بود بروم واگذار شد و خود ارمنستان دست نشاندۀ روم گردید پس از آن پومپه بامید دستگیر کردن مهر داد تا رود کورا ناخت و بامردم آلان جنگ کرد (این ها از آریانهای ایرانی بودند و در حوالی تنگه مادر بند دارمال قفقازیه سکنی داشتند) بعد بطرف دریای سیاه رفت باز اثری از مهرداد نیافت در اینحال تصمیم گرفت بطرف دریای خزر برود ولیکن بطوریکه مینویسند در عرض راه دید باید بامارها جنگ کند این بود که برگشت (باید مقصود دشت مغان باشد که در تابستان مار زیادی دارد) در این احتسوال مابین پومپه و فرهاد سوم پادشاه ایران کدورتی پیدا شد توضیح آنکه وقتی که پومپه تازه به آسیای صغیر وارد شده بود و هنوز ارمنستان قوی بود رسولی نزد فرهاد فرستاده تکلیف کرد که اگر شاه ایران به ارمنستان قشون کشی کند دو شهر گردون (۱) و آدیابن (۲) به مالک ایران ملحق خواهند شد فرهاد چنین کرد و با

(۱) - Cordovène جزو مملکتی بود که اروستان (عربستان) نامیده میشد - و در

بین النهرین علیا واقع بود کرسی آن نصیبین نام داشت

(۲) - آدیابن قسمتی از آسور قدیم بود (Adiabène)

قشون زیادی و پسر ارشد تیگران و شاهزاده های ارمنی که در دربار ایران بودند با ارمنستان حمله برده آرتاگسار را محاصره کرد و تیگران بطرف کوهها فرار نمود بعد شاه ایران کار را تمام شده فرستاده مراجعت نمود و تیگران همینکه مراجعت او را شنید برگشت و قشون محاصر را پراکنده کرد بعد که یومپه چنانکه در فوق ذکر شد ارمنستان را مغلوب و دست نشانده نمود نخواست وعده که بشاه ایران داده بود انجام نماید این رفتار و نیز اینکه یومپه نخواست فرهاد را شاهنشاه خطاب کند باعث کدورت بزرگ مابین شاه ایران و یومپه گردید در ابتداء سردار رومی میخواست با ایران جنگ کند ولیکن بعد از تأمل فهمید که کار خطرناکی است و از این خیال منصرف و راضی بحکمیت شد و این مسئله مابین ایران و روم بحکمیت تسویه گردید

اما مهرداد پنت با وجود کبر سن ابتدا از پانی نشست و در تهیه ترتیب قشون جدیدی برای سفر جنگی به ایتالیا گردید ولیکن درین تجهیزات ناگاه پسر اوفارناس بر او باغی شده تمام طبقات مردم را بر او شورانید در اثر این شورش امید مهرداد از ادامه جنگ با رومیها قطع شد و چون نخواست به رومیها تسلیم شود به خود کشی تصمیم گرفت بدین ترتیب که اول زنها و دخترها و همخوابه های خود را معدوم کرد بعد مقدار زیادی زهر خورد ولیکن زهر اثر نکرد (جهت اثر نکردن زهر میگویند این بود که از ترس اینکه مبادا روزی او را زهر دهند مزاج خود را به زهر عادت داده بود) پس از آن بغلام خود امر داد که او را بکشد و کشته شد وقتی که خبر فوت او به رومیها رسید جشنها بر پا کردند زیرا او را بزرگترین و توانا ترین دشمن خود در

مشرق زمین میدانستند بعضی از مورخین او را هانی مال (۱) نانی برای دولت قوی پنجه روم دانسته اند مهرداد ششم پنت شهرت زیادی در تاریخ دارد و راسین یکی از شعراي بزرگ فرانسه در قرن هفدهم کارهای حیرت آور او را سروده است (۲) پومیپه مادامیکه در آسیا بود با دولت اشکانی مدارا میکرد ولیکن اوضاع بخوبی نشان میداد که عمأ قریب دو دولت بزرگ ایران و روم خصمانه مواجه خواهند شد زیرا فرهاد از پومیپه خواست که فرات سر حدّ دولتین گردد و او جواب مساعدی نداد از طرف دیگر پومیپه با خوزستان و فارس و آذربایجان روابطی ایجاد می کرد فرهاد سوّم را دو پسر او مهرداد و اُرد مسموم کردند (۶۰ ق م)

## اشك ۱۲ - مهرداد سوم مهرداد بعد از

پدر به تخت نشست و چهار سال سلطنت کرد ولیکن بجهت سختی و سفاکی او نجباء و مردم بر او شوریده اُرد برادر کوچکتر او را بر تخت نشاندند مهرداد نزد گابی نیوس (۳) والی روم در شامات رفت در اثناء والی مزبور این موقع را بهانه مناسبی برای دخالت در امور ایران پنداشت

(۱) - هانی مال سرداد معروف قرطاجنه بود که شکست های فاحش برومیها داد و طوری عرصه را بر آنها تنگ کرد که نزدیک بود دولت روم را منقرض کند قشون کشی او از کوههای (پری نه) و (آلپ) بایطالیا در موسم زمستان از شاهکارهای نظامی عالم است اهل فن او و [ژول سزار] رومی و ناپلیون اول را سه بزرگتر سردار نامی عالم میدانند

(۲) - اینك ترجمه مشور يك قطعه از تصنيف راسین که موسوم به میتریدات است. تاوانستم داد گیتی را از روم ستادم مرگ من تنها رشته خیالات مرا گسیخت چون دشمن رومی و ییادی او بودم بزر تنگ قید او هیچ زرقم میتوانم بر خود بیالم که در میان اشخاص نامی که همچو من بارومیها کینه ورزیده اند نه از کسی گران تر از من روم فتحي بدست آورد و نه کسی روزگار آن را پیش از من تیره و تاریك نمود



ولی بزودی امور مصر توجه او را بدان سمت متوجه نمود و از خیال  
همراهی با مهر داد منصرف گردید

## اشك ۱۳ - ارد اول

ارد یکی از شاهان نامی

سلسله اشکانی است و از ۵۷ تا ۳۷ ق. م سلطنت کرده برادر  
او مهر داد بعد از یاس از والی شامات باز از پای نشست و برضد برادر  
اقدامات کرد ولیکن بزودی در بابل گرفتار و کشته شد جنگ اول ایران  
و روم در زمان بن شاه روی داد و به غلبه ایران خاتمه یافت توضیح آنکه  
کراسوس (۱) که یکی از رؤساء سه گانه بود که ممالک وسیع روم  
را اداره میکردند ( دو نفر دیگر ژوز سزار و پومپه بودند ) حکمران  
شامات و متصرفات روم در آسیای پیشین شد این شخص که هیچگاه  
خیال جهانگیری و توسعه قلمرو حکمرانی خود را از سر بیرون نمیکرد و  
تسخیر ایران و هند را جداً جزو نقشه خود قرار داده بود با این  
مقصود در دفعه اول با لژیونهای رومی به بین النهرین تاخت و پیشرفتی  
یافت و بعد بجای اینکه سفر جنگی خود را دنبال کند بشام برگشت  
( ۵۴ ق. م ) در اینحال آرتاواوآردیس پادشاه ارمنستان او را ملاقات  
نموده وعده داد که شازده هزار سوار و سی هزار پیاده باو  
بدهد و نیز باو گفت که اگر کراسوس در ارمنستان با ایران جنگ  
نماید سواره نظام ایران نخواهد توانست خود نمائی کند و پیاده نظام  
روم که بکوهستان عادت کرده بهره مندی نام خواهد یافت ولیکن کراسوس  
که بین النهرین را بواسطه سفر قبل بهتر میشناخت ترجیح داد از این راه  
بایران حمله کند در اینموقع اردسفری نزد کراسوس فرستاد که  
پیغامی باو برساند مفاد پیشام این بود : اگر مردمان روم میخواستند

(۱) - Crassus

با ایران جنگ کنند من حاضر جنگ میشدم و از وخیم ترین عواقب آن بیمی نمیداشتم ولیکن اگر بطوریکه فهمیده ام شما برای منافع شخصی بچاک ایران دست اندازی کرده اید من حاضرم بچماقت شما رحم کرده اسرای رومی را پس بدمه کرا سوس به سفیر گفت جواب پادشاه شما را در سلوکیه (مخاضی تیسفون بوده) خواهم داد سفیر خندیده جواب داد اگر از کف دست من ممکن است موئی بروید شما هم سلوکیه را خواهید دید پس از آن کرا سوس با قشون جرّاری مرکب از لژیونهای ورزیده که عده نفراتشان جمعاً بچهل و دوهزار بالغ بود عازم بین النهرین گردید اما اُرد نخستین کاری که کرد این بود که بایپاده نظام خود بانهایت سرعت داخل ارمنستان شده آن مملکت را اشغال نمود تا پادشاه آن بتواند سواره نظام خود را بکمک کرا سوس بفرستد این اقدام اُرد اهمیت داشت زیرا اگرچه پیاده نظام روم از حیث مشق و دیسپلین و اسلحه تدافعی و تعرضی مشهور آفاق بود ولیکن سواره نظام آن نحو بی سواره نظام پارتی و ارمنی نبود بعد از انجام اینکار اُرد سورنا (۱) را که یکی از سرداران رشید و قابل بود با تمام سواره نظام پارتی مأمور جنگ کرا سوس کرد اما کرا سوس که در ابتداء میخواست متابعت ساحل فرات را کرده در مقابل سلوکیه جنگ کند باغواهی یکی از مشایخ عرب که از متحدین اُرد بود نقشه خود را تغییر داده وارد جلگه های بین النهرین گردید و تا نزدیکی حرّان (کاره) (۲) پیشرفت در اینجا ناگهان قشون سورنا پیدا شد و سردار ایران حیلۀ بکار برد توضیح آنکه برای اغفال رومی ها عده و

(۱) - *Surena*

(۲) - حرّان شهری بود در بین النهرین که در میان اِدَس [اورفا] و راس العین واقع و از زمان قدیم مرکز صابئین محسوب میشد این شهر در عهد قدیم بواسطه موقع تجارتي و فضلا و دانشمندان زیادی که بوجود آورده بود اهمیت زیادی داشت امروزه فریه بیش نیست صابئین دارای مذاهب یونانی بودند و این اسم را در دوره اسلامی برای نجات از معامله که با کفار حربی میشد بخود بسته بودند [Carrhae]

و خوبی اسلحه سواره نظام ایران را از نظر آنها پنهان کرد. باین ترتیب که سواره های ایران روپوش پوستی دربر کردند از طرف دیگر کراسوس چون سواره نظام ایران را قلیل العدد و بدین شکل دید تصور کرد که فتح خیلی آسان بدست خواهد آمد و بدون اینکه به قشون خود برای رفع خستگی و عطش فرصت دهد جنگ را شروع کرد. صفوف لژیونهای رومی بطرف دشمن حرکت کردند که اول زویدنه های خود را بکار برده بعد با شمشیر جنگ تن به تن نمایند صفوف مزبور مرکب بود از سربازان ورزیده که تنگ بهم چسبیده بودند همینکه صفوف رومی بحرکت در آمد صدای طبل از قشون ایران برخاست و سوارهای ایرانی که پنهان شده بودند از هر طرف جمع شدند و لباس روئی را کتفه شروع بکار زار نمودند تیرهای رومی به سواره نظام ایران کارگر نبود زیرا پارتها بواسطه مهارتی که در تیر اندازی داشته اند از دور جنگ میکردند بعد که پیاده نظام رومی نزدیک شد سواره نظام پارتی اسلوب جنگ گریز را اینجا هم بکار برد یعنی قدری جنگ کرده بعد از هر طرف فرار کرد و رومیها را به جاهای بی آب و علف کشانید و پس از آن از هر طرف برگشته حمله به لژیون های رومی کرد و تلفات زیاد بآنها وارد آورد. این حیص و بیص فابیوس (۱) که پسر کراسوس بود و زیر دست بزرگترین سردار روم ژول سزار در مملکت گال (۲) (یا فرانسه امروزه) فنون جنگ را آموخته بود با هزار و چهارصد نفر سواره نظام در رسید و بکمک کراسوس شتافت ولی سواره نظام گال با وجود رشادت غربی به ابراز کرد باز نتوانست از عهده سواران پارت برآید زیرا آنها در مقابل فابیوس باز عقب نشینی کرد. و بعد از هر طرف بدو تاخته کار او را ساختند در حینی که کراسوس میخواست فرمان حمله عمومی بقشون خود دهد ناگهان

(۱) — Fabius

(۲) — Gaule

دید که سر پسرش روی نیزه در میان پارتها بلند است و سواران پارت  
همینکه سر را دیدند برفوت قلبشان افزود و عرصه را چنان بر رومی ها  
تنگ کردند که اوکتاویوس (۱) که بعد قیصر روم گردید و در این جنگ  
یکی از صاحب منصبان ارکان حرب کراسوس بود تصمیم بعقب نشینی  
گرفت (از آنکه این تصمیم را خود کراسوس نگرفته معلوم است که  
بعد از کشته شدن پسرش چه حالی داشته) قشون روم میخواست به کوهستان  
برود که از سواره نظام ایران در امان باشد ولیکن بواسطه اشتباه بلدی که قشور را  
هدایت میکرد این مقصود بعمل نیامد زیرا محلیکه قشون رومی اشغال کرد طوری  
نبود که سواره نظام ایران نتواند عملیات نماید پس از آن سورنا تکلیف  
متار که به کراسوس نمود و بطوریکه مینویسند او را متقاعد کرد که  
بطرف رودخانه رفته متار که را امضاء نماید و کراسوس مطمئن شده تنها  
با سورنا بطرف مقصد عازم شد بلافاصله بعد از حرکت کراسوس صاحب منصبان  
ارکان حرب او نگران شدند که مبادا نسبت باو خیانتی بشود و دنبال  
او رفتند در اینحال جنگی مابین سواران پارتی و رومیها در گرفت و  
کراسوس کشته شد همینکه قشون رومی خبر کشته شدن او را شنید دچار  
وحشت غربی گردید و به استثنای دو هزار نفر که موفق بفرار  
شدند باقی اسیر پارتها گشتند یا به دست اعراب افتادند تلفات قشون  
کراسوس را در این جنگ بیست هزار نفر نوشته اند اسرائیلی که پارتها  
گرفته بمرو فرستادند نیز قریب بیست هزار نفر قلعداد شده است بعضی  
کشته شدن کراسوس را منتسب به شورش در قشون روم کرده اند و  
میگویند که سورنا در این شورش دست داشته است موافق روایت  
اولی اقدام او خائنه بوده است ولی روایت آخری بنظر صحیحتر  
میآید زیرا حالت روحی رومیها بعد از شکستهایی که بآنها وارد آمده

بود بسیار بد و عقب نشینی برای احتراز از عواقب آن اختیار شده بود  
سر کراسوس را برای اُرد در موقعیکه در ارمنستان مجلس جشنی برای  
عروسی پسرش با کُرُکُز پادختر آرتاواردس پادشاه ارمنستان آراسته بود بردند  
و بیای او انداختند در اینموقع بطوریکه نوشته اند نمایشی از تصنیفات  
اِورِیپید (۱) مصدّف مشهور یونانی در دربار میدادند و یکی از بازیگرها  
که یونانی بوده سر را بلند کرده و شعری از اوری پید مناسب احوال  
خوانده است شخصیت سورنا بطوریکه از مورخین رومی استنباط می  
شود از غربی در رومیها گذارده و جالب توجه مخصوصی شده مشارالیه  
ده هزار نفر سوار از املاک و علاقجات خود برای این جنگ تهیه کرده  
بود و بطوریکه مینویسند در فنون جنگ خیلی ماهر بوده و در شهوت  
رائی هم کمتر نظیر داشته هزار شتر بار و بنه شخصی او را حرکت  
میداده و دو بست عرّاده حرمخانه او را حمل می کرده بعد از فتح  
حرّات اُرد عزم تسخیر شامات را کرده با کاسیوس (۲) که  
بقیه السیف قشون رومی را شامات مراجعت داده بود جنگ نمود  
اینجا رومیها به اسلوب پارتها عمل کرده قشون ایران را بکمینگاهی کشیده  
شکست دادند با وجود این پا کُرُکُز در صدد قشون کشی جدیدی به شامات  
بود ولیکن چون کتکاشی بر ضد پدر خود ترتیب داده بود پدرش مطلع  
شده او را احضار کرد و پسر از آن متارکه ممتدی مابین ایران و روم بر  
قرار گردید باز در ۳۹ ق. م اردپا کر را با یک سردار رومی موسوم  
به لابی نیوس (۳) که در خدمت شاه اشکانی بود با قشون  
زیادی برای تسخیر شامات فرستاد در ابتداء او موفق شد و حکومت  
بیت المقدس را به آنتیگون داد ولیکن بعد از آمدن سردار رومی

(۱) — Euripide

(۲) — Cassius

(۳) — Labinius

وینتیدیوس<sup>(۱)</sup> به شامات بهره مندی با رومیها گردید توضیح آنکه با کر در اینجنگ کشته و اُرد از تسخیر شامات منصرف شد و بعد بواسطه فوت پسرش از سلطنت بیدزار شده آنرا به پسر ارشد خود فرهاد واگذار کرد گویند که در زمان ابن شاه تیسفون پایتخت گردید ولیکن این روایت محقق نیست

## جنگ حران (کاره)<sup>(۲)</sup> که نخستین

جنگ ایران با روم بود اهمیت زیادی در تاریخ ایران دارد زیرا رومیها تا این زمان در همه جا فاتح بودند و این اول دفعه بود که شکست فاحشی بر آنها وارد شد این شکست بر صولت آنها سایه افکند و نام دولت بارت را در عالم بزرگ کرد شکستی که رومیها در حران خوردند نظیر شکستی است که بقشون ایران در زمان داریوش بزرگ در دشت هارائن وارد آمد چنانکه در آن زمان دولت عظیم هخامنشی در نهضت خود بغرب در دفعه اولی بدیوار محکم یونانی برخورد و توسعه آن متوقف شد همچنان دولت عالم گیر روم برای مرتبه اولی با سد متین ایران تصادف نمود و بطوریکه خواهیم دید از این به بعد بسط و توسعه آن در آسیا خاتمه یافت ژول سزار<sup>(۳)</sup> وقتی که دیکتاتور روم بود باین خیال افتاد که شکست رومیها را در ایران جبران کند و مشغول جمع آوری لژیونهای<sup>(۴)</sup> گردید ولی بزودی مقتول شد

## اشک ۱۴ - فرهاد چهارم

بعضی از مورخین با کر را اشک چهاردم دانسته اند ولیکن این مطلب با اینکه او در زمان سلطنت پدرش کشته شد موافقت نمیکند فرهاد

(۱) — *Vintiduis*

(۲) — *Carrhae*

(۳) — *Dictateur*

(۴) - فوج سپاهیان ورزیده و مشق کرده رومی را لژیون می گفتند

چهارم همینکه بتخت نشست برادرهای خود را نابود کرد پدرش اُرد که او را ملامت نمود نیز کشته شد (۳۷ ق. م)

## جنگ دوم ایران با روم - در زمان فرهاد

چهارم جنگ دوم ایران با روم در گرفت توضیح آن که فرهاد بقدری سختی با نجباء می‌کرد که بعضی از آنها جلای وطن کردند و یکی از سردارهای نامی پارت (مِن زِنَس) (۱) نام نزد مارك آنطوان (۲) که یکی از سه زمامدار امور آروزی روم و والی مصر بود رفت (دو نفر دیگر 'وکتاوبوس' (۳) و لپیید (۴) بودند) و باو اظهار کرد که حالا موقع رسیده که روم از ایران انتقام شکست کراسوس را بکشد فرهاد وقتی که این خبر را شنید از سردار مزبور استمات کرده او را بایران احضار نمود و آنطوان توسط او از دولت ایران خواهش کرد که بیرقهای رومی و اسرائی را که حیات دارند بروم مسترد دارد ولی این ظاهر کار بود و باطناً آنطوان تهبه جنگ می‌دید وقتی که تجهیزات او کامل شد بالژیونهای که عده نفراتشان به صد هزار میرسید بطرف ایران حرکت کرد پادشاه ارمنستان آرتاواردس (۵) نیز با او مواضعه کرده شش هزار پیاده و شش هزار سوار باو داد آنطوان میخواست از طرف فرات وارد خاک ایران شود و چون دید که پارتها همه جا را گرفته محکم دارند بطرف ارمنستان رفت پادشاه ارمنستان باو گفت که تمام قشون ایران در نواحی فرات است و بنا بر این او بسهولت میتواند

(۱) — *Monaeses*

(۲) — *Marc Antoine*

(۳) — *Octave August*

(۴) — *Lévide (Lépidus)*

(۵) — *Artavardes*

بآذربایجان حمله برده پای تخت آرا که پرآسپا است (۱) تسخیر کند (این شهر درجائی بوده که امروز موسوم به تخت سلیمان است در ۲۵ فرسخی دریاچه اورمیه از طرف جنوب شرقی) اوچنین کرد و بطرف شهر مزبور روانه شد وقتی که بدانجا رسید دید شهر محکم است و ساخلو کافی دارد این بود که منتظر ورود یارو بنه قشون و ادوات محاصره گردید از طرف دیگر پارتها با اسلوب جنگی خودشان بنای تعرض را نسبت به رومیها گذارده ده هزار نفر از آنها کشتند متعاقب اینواقعه قشون آرتاواردس نیز از پارتها شکستهای فاحش خورد و کار آنطوان سخت گردید در این حین ویدص پارتها بنه قشون او را زدند و غنائم زیادی بدست آنها افتاد با این اوضاع و احوال آنطوان چاره را منحصرأ در این دید که عقب نشینی نماید و راه کوهستان را پیش گرفت تا از سواره نظام پارتها در امان باشد ولیکن راه کوهستانی دوروز بیش نبود و روز سوم همینکه وارد جلگه شد پارتها فوراً پیدا شده بنای جنگ گریز را گذاشتند و بهمین منوال در مدت ۱۹ روز که او در خاک ایران بود هشت هزار نفر دیگر از رومیها کشتند بعد از عبور از آرس اگر چه پارتها دیگر او را تعقیب نمودند و لیکن از سرمای زمستان و فقدان آذوقه و مشقات راه باز هشت هزار نفر رومی مردند و باقی قشون روم خسته و فلاکت زده جانی بدر بردند (۳۶ ق. م) خط عقب نشینی رومیها بطوریکه مینویسند از کنار شرقی دریاچه اورمیه و محلهایی بوده که در حوالی تبریز امروزه واقعند

پلوتارک مینویسد که آنطوان در این سفر وقتی که مشقات و صدمات عقب نشینی را میدید همواره میگفت «آی ده هزار نفر» و مفعودش ده

(۱) - Praaspā در پارسی قدیم [ فرادآسپه ] میگفتند Frūdah-aspa [ مارگوارت - ایرانشهر ] بعد ها پَرَسپه گفته اند



هزار نفر یونانی بود که در زمان اردشیر دوم هخامنشی بعد از کشته شدن کوروش کوچک از کوتا کساعقب نشینی کرده تمام این صدمات را متحمل شدند تمجید آنطوان از یونانیها و ذکرى که پلوتارك از آنت نموده بجا است وليكن اگر تفاوت اوضاع این زمان و زمان اردشیر دوم را در نظر آریم مشقات و تعب رومیها بمراتب بیشتر بوده زیرا در آن زمان از کوتا کسانا طرابوزان که تماماً خاک ایران بود کسی متعرض این ده هزار نفر یونانی نشد و در این جنگ هشتاد هزار نفر رومی رفتی که از سر حد ایران خارج میشدند شکر میکردند که از دست تیراندازان ایرانی خلاصی یافتند

## جنگ سوم ایران با روم - دو سال بعد

از وقایعی که مذکور شد باز جنگی ما بین ایران و روم در گرفت توضیح آنکه غنائمی که از فتح ایران نسبت به روم بدست آمده بود تقسیم گردید ولی پادشاه مدی از مقدار حصه خود ناراضی بود و از طرف دیگر از ترس فرهاد نمیتوانست ابرادی کند این بود که کسی نزد مارك آنطوان فرستاده او را بچنگ با ایران دعوت کرد و او فوراً قشونی جمع کرده عازم ارمنستان گردید زیرا شکست دو سال قبل از آن بهت او کاسته و بر شوئات شاه ایران افزوده بود و میخواست شکست خود را جبران کند بعد از ورود به ارمنستان فوراً غضب خود را متوجه آرنا واردس کرد و تمام ارمنستان را گرفت و ساخلو قوی در آنجا گذارده بمصر برگشت بعد در سنه ۳۳ مراجعت کرد و ایندفعه بطرف ارس رفته با پادشاه مدی (آندریایجان) معاهده بست و بعضی از قطعات ارمنستان را باو داد و يك عده پیاده نظام رومی با اختیار او گذاشت در این موقع